

<https://www.aftabekherad.ir>

## Foreign Reflections of the January 2017 Protests

Jafar Haqqanah

Visiting Assistant Professor of Regional Studies,  
University of Tehran

Received: 2018/03/05

Accepted: 2018/03/14

### Abstract

In January 2017, a number of large and small cities in Iran witnessed a series of protest rallies with political and economic colors, which quickly turned into riots and destructive and foundation-breaking movements, and therefore ended quickly. This event received widespread coverage abroad in political circles, think tanks, cyberspace, and the media. In analyzing the basis for foreign attention to these unrest, this article focuses on the variables of "interventionism" and "balancing" and, through a case study of the positions of officials, elites, and analyses of American think tanks, argues that the efforts of rival powers, and specifically the United States, to create a balance and contain the regional power of the Islamic Republic of Iran, distinguish the type of foreign attitude and intervention from previous interventions that were mostly carried out by appealing to the category of human rights. The findings of this article, which are conducted using a descriptive-analytical method and based on the theory of "comprehensive balance", while explaining the dimensions of this issue, emphasize the possibility of the continuation and diversification of this interventionism based on checks and balances in the future.

**Keywords:** Political unrest, Iran, America, interventionism, comprehensive balance

## بازتاب خارجی اعتراضات دی ماه ۹۶

جعفر حق پناه<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۲/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۲۳

### چکیده

در دی ماه ۱۳۹۶ شماری از شهرهای بزرگ و کوچک ایران شاهد برگزاری پیاپی تجمعات اعتراضی با رنگ و بوی سیاسی و اقتصادی بود که به سرعت جنبه اغتشاشات و حرکات تخریبی و شالوده‌شکن به خود گرفت و از همین رو به سرعت پایان یافت. این رویداد در خارج از کشور انعکاس گسترده‌ای در محافل سیاسی، اندیشکده‌ها و فضای مجازی و رسانه‌ها پیدا کرد. نوشتار حاضر در تحلیل مبانی عطف توجه خارجی به این ناآرامی‌ها بر متغیر «مداخله‌گرایی» و «موازنه‌سازی» انگشت نهاده و با مطالعه موردی مواضع مقامات، نخبگان و تحلیل‌های اتاق فکر آمریکایی به آن است که تلاش قدرت‌های رقیب و به طور مشخص ایالات متحد آمریکا برای ایجاد موازنه و مهار قدرت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران، نوع نگرش و مداخله خارجی را از مداخلات پیشین که بیشتر با تمسک به مقوله حقوق بشر صورت می‌پذیرفته متمایز می‌گرداند. یافته‌های این مقاله که با روش توصیفی - تحلیلی و با مبنا قرار دادن نظریه «موازنه فراگیر» انجام شده، ضمن تبیین ابعاد این موضوع به احتمال تداوم و استمرار و تنوع یافتن این مداخله‌گرایی مبتنی بر مهار و موازنه در آینده تأکید دارد.

**کلید واژه‌ها:** ناآرامی سیاسی، ایران، آمریکا، مداخله‌گرایی، موازنه فراگیر

<sup>۱</sup>. استادیار مدعو مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران - haghpanah2000@yahoo.com

## مقدمه

در عصر کنونی، رویدادها و مسائل اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و امنیتی داخلی کشورها صرفاً امری مربوط به محیط داخلی آن کشور محسوب نمی‌شود. در دنیای جهانی شده تحولات درونی جوامع و واحدهای سیاسی به سرعت مرزهای موجود را درنوردیده و انعکاس منطقه‌ای و بین‌المللی می‌یابند.

پدیده رو به رشد بین‌المللی شدن تحولات و مسائل داخلی کشورها از مناظر مختلفی قابل کنکاش است. طیفی از ادبیات و نظریه‌پردازی‌های رایج، این پدیده را ذیل امر جهانی شدن صورت‌بندی کرده‌اند. نظریه‌های ارتباطات محور کاری دویچ، تئوری دهکده جهانی مارشال مک لوهان، نظریه نظام جهانی ایمانوئل والرشتاین و نیز نظریه جامعه شبکه‌های مانوئل کاستلز از جمله چارچوب‌بندی مضمومی هستند که در قالب آنها انبوهی از داده‌کاوی‌ها و مطالعات موردی برای شناخت بهتر این پدیده انجام شده‌اند.

نظریه‌های گفته شده بیشتر ناظر بر توضیح چگونگی پیوند قرائندها در محیط داخلی کشورها با پیرامون و محیط جهانی و بین‌المللی هستند. به موازات تقویت رویکردهای میان‌رشته‌ای و تلفیق دیسپلین‌های متداول مطالعاتی در حوزه‌های علوم ارتباطات، جامعه‌شناسی فرهنگی و اقتصاد سیاسی بین‌المللی، این حوزه بیش از گذشته مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. در عین حال و در کنار رویکرد جامعه‌شناسانه فوق می‌توان به رهیافت منبعث از علم سیاست و شاخه‌های مختلف علوم سیاسی اشاره کرد که عموماً رویکرد تبیینی داشته و بر مبنای مفهوم پایه‌ای و کلیدی قدرت درصدد تحلیل علت‌شناسانه، روندشناسانه و پیامدشناسانه از بین‌المللی و جهانی شدن مسائل داخلی کشورها برآمده‌اند.

از منظر دانش سیاسی رهیافت‌های مختلفی می‌توانند برای تجزیه و تحلیل پدیده گفته شده به کار گرفته شوند که مهم‌ترین آنها «واقع‌گرایی» و «سازهانگاری» هستند. مبنای آموزه‌های مکتب واقع‌گرایی یا رئالیسم و شکل‌بندی تازه آن یعنی نواقع‌گرایی یا نورئالیسم را همانا می‌بایست قدرت و امنیت دانست. تأمین امنیت از طریق انباشت و افزایش قدرت در مفهوم سخت‌افزارانه آن دغدغه اصلی مهم‌ترین بازیگران عرصه سیاست یعنی دولت‌ها تلقی می‌شود و کشمکش دائمی میان دولت‌ها را در وضعیت آنارشیک و هرج‌ومرج‌گونه نظام بین‌المللی را رقم می‌زند. این وضعیت رقابت‌گونه مستمر عموماً به برقراری شرایطی میان دولت‌ها منجر می‌شود که براساس مفهوم «موازنه قوا» قابل تبیین است: بهره‌گیری از همه ابزارها در اختیار در محیط داخلی و خارجی برای عقب‌نماندن از رقیب یا رقبا که از منظر رئالیست‌ها عموماً ابزارهای سخت‌افزارانه را در بر می‌گیرد (اسمیت، ۱۳۸۷: ۱۵۲).

در برابر رهیافت سازه‌انگاری با نقد رویکرد تک‌پایه و عینیت‌محور واقع‌گرایز و البته با پذیرش مفروضه‌های بنیادین آن مانند دولت‌محوری و هرج‌ومرج‌گونگی نظام بین‌المللی، مفاهیمی مانند «هویت»، «ایده» و «معنا» را در شکل‌دهی به ساختار نظام و مناسبات میان کنشگران را دخالت داده و راه را برای تحلیل نقش سایر کنشگران غیردولتی و نیز پیوند میان محیط داخلی کشورها با محیط پیرامون و نظام جهانی می‌گشاید. براساس این رهیافت رمزگشایی از فرایندهای سیاسی در اغلب رویدادهای دوران پس از پایان جنگ سرد که در آن، وجوه نرم‌افزارانه در منازعه، رقابت و همکاری میان واحدهای سیاسی برجستگی بیشتری یافته‌اند امکان‌پذیرتر می‌شود (ونت، ۱۳۸۴: ۳۲۵).

البته در مطالعات امنیتی معاصر رویکرد ترکیبی و تلفیق واقع‌گرایی و سازه‌انگاری کاربست بیشتری یافته‌اند. تحول در ساختار نظام بین‌الملل، گسترش جهانی شدن و جهان بومی شدن، رسوخ‌پذیری مرزها، افزایش نقش و نفوذ کنشگران غیردولتی در سطوح فراملی و فراملی، پیدایش جنبش‌های اجتماعی نوین و گسترش ادغام اقتصادی جوامع و دولت‌ها را می‌توان به عنوان برخی علل عطف توجه به این رویکرد ترکیبی برشمرد.

از جمله تمهیدات نظری ترکیبی می‌توان به نظریه «موازنه فراگیر» اشاره کرد. این مفهوم برای نخستین بار در ۱۹۹۱ توسط استیون دیوید، نظریه‌پرداز مطالعات سیاست خارجی، تبیین روابط کشورهای به اصطلاح جهان سوم و علت‌یابی مداخلات برخی دولت‌ها در امور داخلی سایر کشورها به کار رفت. مفروض دیوید در چارچوب‌بندی نظریه موازنه فراگیر این است که در مناطقی مانند آسیا، آفریقا و مشخصاً خاورمیانه، مفهوم هرج‌ومرج و بی‌ثباتی نه تنها محیط خارجی عمل کشورها را توضیح می‌دهد بلکه ناظر بر وضعیت داخلی اغلب این کشورها نیز هست. دیوید در این نظریه دولت‌های آفریقایی، آسیایی را عموماً درگیر با تهدیداتی چندجانبه از ناحیه بی‌ثباتی و ضعف در انسجام اجتماعی و همزمان با آن دچار چالش با دولت‌های رقیب در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی می‌داند. به باور دیوید موازنه فراگیر بر ادراک تصمیم‌گیران از ماهیت تهدیدات و فرصت‌ها معطوف به ساختار سیاسی دلالت دارد، چراکه آنان عمدتاً براساس احساس ناشی از وجود فرصت‌ها و تهدیدات داخلی و امکان بهره‌برداری از آن رفتار می‌کنند (حق‌پناه: ۱۳۸۷: ۵۵-۵۶).

بر این اساس، در حالی که تصمیم‌گیران و مقامات یک دولت نگران بهره‌برداری رقبا از آسیب‌پذیری‌های درونی از ناحیه ضعف یا فقدان انسجام اجتماعی هستند؛ در عین حال همین وضعیت آسیب‌پذیری را در قبال رقبای خویش نیز مشاهده می‌کنند و می‌توانند به موازنه‌سازی برابر آنها پردازند، در این میان دست برتر با بازیگرانی است که بتوانند ضمن تلاش برای ترسیم

آسیب‌پذیری‌های داخلی و بهبود انسجام اجتماعی از ابزارهای نرم‌افزارانه برای بهره‌گیری از نقاط ضعف حریف استفاده بهتری به عمل آورده و به این ترتیب علاوه بر استفاده از ابزارهای سخت‌افزارانه، می‌توان موازنه‌گری رفتاری به شکل فراگیر و همه‌جانبه برابر رقبا را صورت‌پذیری نمود و صرفاً به ابزارهای نظامی و یا ائتلاف‌بندی اکتفا ننمود (حق‌پناه، ۱۳۹۰: ۱۶۹).

### مداخله برای موازنه‌سازی: مورد اعتراضات دی‌ماه در ایران

به گونه‌ای قابل انتظار، وقوع اعتراضات سیاسی و اقتصادی منتج و منتهی به آشوب و اغتشاش در شماری از شهرهای بزرگ و کوچک کشورمان در دی‌ماه ۱۳۹۶ با واکنش گسترده خارجی همراه شد. این واکنش‌ها از زوایای مختلفی قابل تجزیه و تحلیل هستند که بنابر چارچوب نظری این نوشتار، از منظر مداخله در امور داخلی کشورمان هب منظور مهار و موازنه‌سازی از سوی رقبای منطقه و بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران به آن پرداخته می‌شود. از آنجا که مدت‌چندانی از این اعتراضات و واکنش‌ها به آن نمی‌گذرد و دسترسی به اسناد و مدارک سایر دولت‌ها مربوط به نحوه تنظیم سیاست آنها در قبال رویدادهای داخلی کشورمان نیز وجود ندارد، بنابراین در ادامه تلاش می‌شود با استناد به گزارش‌های تحلیلی، مقاله‌ها و پژوهش‌های منتشره از سوی اندیشکده، اتاق‌های فکر، سایت‌های تحلیلی و مراکز پژوهشی در کشورهای مختلف به واکاوی موانع و رویکرد سایر دولت‌ها و به طور کلی انعکاس اعتراضات اخیر در خارج از کشور پردازیم:

### آمریکا: مداخله‌گر فرمانطقه‌ای

مروری به مواضع و سیاست‌های اعلامی کنشگران فرمانطقه‌ای نشان می‌دهد که بیشترین مداخله‌گری در جریان اعتراض‌ها و ناآرامی‌های اخیر از سوی ایالات متحده آمریکا صورت پذیرفته که بیشترین چالش و انگیزه برای موازنه‌سازی و مهار قدرت منطقه‌ای ایران و دفع تهدیداتی دارد که از ناحیه گسترش حضور و نفوذ ایران در غرب آسیا متوجه منافع این کشور و متحدانش در منطقه شده است.

این مداخله‌گری در قالب اعلام موضع مداخله‌آمیز چندباره صریح و مستقیم شخص رئیس‌جمهور دونالد ترامپ در صفحه توئیتر، سخنان رئیس‌خلنه نمایندگان و سناتورهای جمهوری خواه، موضع‌گیری سخنگوی کاخ سفید و سخنگوی وزارت خارجه بروز و ظهور یافت که در بیانات و مواضع مقامات هیچ کشور دیگری مشاهده نمی‌شود.

همچنین برای فهم مبانی رفتاری و سیاست‌های آمریکا در قبال تحولات داخلی ایران می‌توان به مطالب منتشره از سوی اندیشکده‌ها و اتاق‌های فکر معتبر آمریکایی نیز استناد کرد که توصیه‌ها و رهنامه‌های آنان عموماً مورد توجه مقامات و نهادهای حاکمیتی در این کشور قرار می‌گیرد.

در همین ارتباط می‌توان به گزارش راهبردی منتشره از اندیشکده به نفوذ «کارنگی» اشاره کرد. کریم سجادیپور پژوهشگر ایرانی - آمریکایی در گزارشی با عنوان «نبرد برای ایران» به تاریخ ۳۱ دسامبر ۲۰۱۷، ضمن ابراز حمایت از اعتراضات و محکومیت دولت ایران در مقابله با این ناآرامی‌ها به مقامات کاخ سفید پیشنهاد می‌کند که: «شرکت‌های خارجی همدست با دولت ایران در امر سانسور می‌بایست از سوی آمریکا تهدید و تحت فشار قرار گیرند و به متحدان آمریکا در اروپا و آسیا نیز فشار وارد شود تا به دولت ایران اعتراض کنند».

مقاله خانم جنیو عبدو (مجله نشنال اینترنت — ۲ ژانویه) با عنوان «آیا جنبش اعتراضی در ایران معادلات را برهم خواهد زد؟» جنبه‌های دیگری از ابراز خرسندی آمریکا از مواجهه ایران با ناآرامی و بی‌ثباتی در داخل و تأثیر آن بر معادلات قدرت در خاورمیانه را آشکار می‌سازد. وی در مقاله خود با استناد به برخی شعارهای تجمع‌کنندگان مدعی می‌شود که مردم ایران با گسترش طلبی نظامی حکومت ایران در منطقه به ویژه در سوریه، عراق و لبنان و اقدامات نهادهایی مانند سپاه پاسداران و بسیج مخالف بوده و ادامه این ناآرامی‌ها می‌تواند به مرور زمان بر سیاست‌های منطقه‌ای ایران تأثیرگذار باشد.

ری تکیه و مارک دوبوویس از جمله چهره‌های شاخص طیف ایران‌ستیز در آمریکا و نزدیک به کاخ سفید هم در مقاله «حکومت روحانیون ایران به لبه پرتگاه» (روزنامه وال‌استریت جورنال، اول ژانویه) با بیان اینکه ایران تهدید اصلی آمریکا است به نقد سیاست دولت منفعلانه دولت اوباما در قبال اعتراضات سال ۲۰۰۹ (انتخابات ریاست جمهوری در ۱۳۸۸) پرداخته و خواستار حمایت مؤثر و قاطع دولت ترامپ از معترضان در داخل ایران شده‌اند تا نهایتاً ایران به سرنوشتی مشابه اتحاد شوروی سابق تبدیل شود.

در همین چارچوب مایکل سینگ تحلیل‌گر برجسته اندیشکده واشنگتن در گزارش تحلیلی مورخ ۲ ژانویه با عنوان «معترضان در ایران به کمک والفر واشنگتن نیاز دارند» اصل را بر لزوم حمایت آمریکا از معترضان قرار می‌دهند تا در سیاست‌های مقامات تهران تغییر رفتار ایجاد شود. به گمان مایکل لینگ: «بهترین راه... ساکت ماندن نیست؛ بلکه اطمینان دادن به این است بیانیه‌های حمایت‌آمیز آمریکا به طور گسترده چندجانبه شوند و توسط گام‌های عملی پشتیبانی گردند». وی در ادامه بر لزوم استفاده آمریکا از نحوه مواجهه دولت ایران با معترضان به عنوان ابزاری برای منزوی‌سازی تهران، کاهش روابط دیپلماتیک با کشورمان، کاهش سطح حضور و مشارکت ایران در نهادهای بین‌المللی تأکید می‌ورزد.

گزارش تحلیلی دیگری که به قلم رئیس راس، سیاستمدار و دیپلماتیک برجسته آمریکایی و با عنوان «ایرانیان در حالی که عمیقاً گرفتار سیاست خارجی خود هستند، به هم ریخته‌اند»

(فارس رئالیستی ۲ ژانویه) به صراحت رویکرد آمریکا برای موازنه‌سازی و مهار قدرت منطقه‌ای ایران و لزوم مداخله برای تغییر در سیاست خارجی کشورها را آشکار می‌گرداند. این سیاستمدار نومحافظه‌کار نیز با انتقاد از سیاست اوباما در قبال ایران به لزوم اجماع‌سازی مقابل آنچه رفتار به اصطلاح بی‌ثبات‌کننده ایران در منطقه می‌خواند تأکید کرده و حمایت از معترضان در داخل را ابزار مهم و مؤثری برای دستیابی به این هدف می‌داند.

تلاش برای برقراری ارتباط میان شکل و محتوای سیاست خاورمیانه‌ای ایران و بروز ناآرامی‌های داخلی محور کمابیش ثابتی است که در موضع‌گیری و تحلیل‌های اغلب مقامات و ناظران آمریکایی مشاهده می‌شود و به خوبی گویای دغدغه آمریکا برای مهار ایران با استفاده ابزاری از تحولات داخلی کشورها است. به عنوان نمونه‌ای دیگر، کالین کلارک و ویلیام کورتنس، تحلیلگران برجسته سیاست خارجی آمریکایی در نشنال اینترنت (۱۱ ژانویه) مدعی وجود همبستگی میان دو متغیر «تلاش ایران برای ایجاد بی‌ثباتی در خارج و اعتراضات در داخل» هستند. آنها مدعی هستند که سیاست خارجی نظامی‌گرا و پرهزینه دولت ایران در داخل هم فاقد محبوبیت بوده و در نتیجه وضعیتی مشابه آغاز بهار عربی و پیدایش جنبش‌های اعتراضی در کشورهای عربی در ۲۰۱۰-۱۱ در انتظار ایران هم هست. به واقع این تحلیلگران مطلوب خود مبنی بر لزوم تغییر در سیاست خارجی و به عبارت دیگر مهار ایران را در شعارهای برخی تظاهرکنندگان در ایران جستجو می‌کنند.

علاوه بر موارد فوق می‌توان موضع‌گیری‌ها و تحلیل‌های مشابهی در متون زیر مشاهده کرد که بر لزوم مداخله آمریکا با دستاویز حمایت از معترضان ایرانی برای تشدید فشار بر جمهوری اسلامی ایران به منظور تغییر سیاست منطقه‌ای خود تأکید دارند.

۱. چگونه از معترضان ایرانی حمایت کنیم (۳ ژانویه ۲۰۱۸) عباس میلانی، مؤسسه هوور
۲. ناآرامی‌ها در ایران (ماه ژانویه)، علی‌رضا نادر، نشریه پولیتیکو
۳. چگونه واشنگتن می‌تولند بر نتایج اعتراضات در ایران تأثیر بگذارد؟ (۴ ژانویه) ایلان برمن، نشنال اینترنت
۴. آنچه آمریکا باید برای گسترش اعتراضات علیه نظام ایران انجام دهد (ماه ژانویه) جیمز فیلیپس، مؤسسه هریتیج
۵. هشدار بحران: مردم ایران تحت خشونت هستند و آمریکا کمکی به آنها نمی‌کند (۸ ژانویه) اما انفورد، مؤسسه کاتو
۶. رسانه‌های آمریکایی و پوشش اعتراضات در ایران (۳۱ دسامبر)، لی اسمیت، اندیشکده

هادسون

۷. بحران در ایران: چشم‌انداز گسترده‌تر (۲ ژانویه)، آنتونی کردزمن، مرکز مطالعات راهبردی و بین‌المللی  
در عین حال این نکته نیز قابل تأمل است که حتی خود آمریکا و در میان اندیشکده‌ها و نخبگان آمریکایی نسبت به این رویکرد مسلط بر هیأت حاکمه این کشور نقدهای قابل توجهی وجود دارد که به رغم سیطره طیف ایران‌ستیز به محافل سیاسی ایالات متحد طنین و انعکاس گسترده‌ای یافته‌اند.

این نقدها به رویکرد مسلط در آمریکا از منظرها و زوایای گوناگونی مطرح شده‌اند. به عنوان نمونه کارشناسان گروه بین‌المللی بحران مستقر در واشنگتن از منظر روندشناسی بحران به اعتراضات اخیر پرداخته‌اند. در گزارش منتشره توسط این اندیشکده با عنوان «چگونه رئیس‌جمهور ایران می‌تواند بحران را به فرصت تبدیل کند؟» (۴ ژانویه) تأکید شده است که ساختار نظام جمهوری اسلامی به گونه‌ای است که می‌تواند این چالش‌ها را به فرصت برای انجام تغییرات بدل نماید.

در همین قالب در گزارش منتشره مورخ ۱۰ ژانویه از سوی اندیشکده آمریکایی جنگ و صلح با عنوان «شکایت علیه حکومت ایران» به قلم علی‌رضا اشراقی نیز این نکته مودر تأکید قرار گرفته است که این گونه رویدادها هرچند کارکرد منفی داشته و در حکم یک سمّ به شمار می‌آید اما در عین حال می‌تواند به مثابه دارو و درمان نیز مورد توجه قرار گیرد و منجر به تقویت جنبه مشارکت سیاسی و بازتعریف نقش و جایگاه نخبگان سیاسی در ایران گردد.

نفی ارتباط میان سیاست خارجی ایران و اعتراضات اخیر از دیگر موارد مورد توجه نخبگان و اتاق‌های فکر آمریکایی بوده است. مقاله آرین طباطبایی، پژوهشگر مرکز؟؟ در دانشگاه هاروارد با عنوان «چرا اعتراضات سیاست خارجی ایران را تغییر نخواهد داد؟» (فارین افروز - ۵ ژانویه) به صراحت چنین ارتباطی را به چالش می‌کشد.

در همینه چارچوب خانم باربارا اسلاوین مسئول میز ایران در شورای آتلانتیک در یادداشتی با عنوان «عادت تظاهرات ایرانیان علیه دولت» به تاریخ اول ژانویه با اذعان به وجود برخی معضلات در حوزه سیاست و اقتصاد، اعتراضات اخیر را منبعث از فرایندهای سیاسی قابل مدیریت در ایران می‌داند.

رضا مرعشی، دیپلمات سابق وزارت خارجه آمریکا در امور ایران نیز در مقاله «اعتراضات ایران» (ناپاک: اول ژانویه ۲۰۱۸) با نقد نگرش مقامات آمریکایی نسبت به این اعتراضات می‌نویسد که سیاستگذاران و کارشناسان در آمریکا نمی‌توانند این حقیقت ساده را تغییر دهند که این اعتراضات یک مشکل ایرانی است، معترضان ایرانی هستند و راه حل نیز ایرانی خواهد بود.

بخشی از نقدها در آمریکا نیز ناظر بر نگرش ابزاری و متناقض نخبگان و مقامات آمریکایی در قبال مردم ایران است. از جمله الی کلیتون کارشناس مستقل در حوزه سیاست خارجی آمریکا در یادداشتش با عنوان «استقبال تندروهای آمریکا از اعتراضات ایران: نگران نبودن در قبال زندگی ایرانیان» (لوب لاگ، ۴ ژانویه) یادآور می‌شود که شمار زیادی از حامیان اعتراضات اخیر در ایران مانند فیلیپ گوردون دستیار سابق وزیر خارج و هارک دوبوویتز مدیر بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها، افرادی با پیشینه طولانی در تخریب تلاش‌های دیپلماتیک و مشوقان حمله نظامی به ایران هستند که هدف اصلی آنها جنگ با ایران و تغییر نظام جمهوری اسلامی است و این امر با خواسته اصلی معترضان ایرانی در تضاد بوده و صرفاً زندگی ایرانیان را به خطر خواهد انداخت.

برخی نخبگان آمریکایی پا فراتر گذاشته و حتی معتقد مداخله آمریکا در امور داخلی ایران به بهانه حمایت از معترضان ایرانی نتیجه معکوس خواهد بخشید. ند پرایس سخنگوی سابق شورای امنیت ملی آمریکا در مقاله «حمایت بی‌شرمانه ترامپ از اعتراضات ایران نتیجه معکوس داشت» (فارین پالیسی، ۱ ژانویه) می‌نویسد اعتراضات اخیر در ایران می‌تواند برخی تناقضات در کشورهای مانند ایران و در عین حال چشم بستن بر وضعیت نقض حقوق بشر در سایر کشورهای خاورمیانه‌ای متحد آمریکا است.

گراهام فولر، افسر ارشد اطلاعاتی سابق سازمان سیا نیز در مقاله «ایران در لبه پرتگاه؟» (لوب لاگ: ۱۱ ژانویه) رویه نومحافظه‌کاران آمریکایی در قبال اعتراضات اخیر در ایران که دارای نظام انتخابات و مخالف داعش است و چشم فرو بستن در مقابل حمایت دولت‌های اقتدارگرا مانند عربستان سعودی و امارات متحده عربی از داعش را به نقد می‌کشد.

### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در این نوشتار به اختصار چارچوب‌بندی مفهومی تازه‌ای در قالب نظریه «موازنه فراگیر» معرفی گردید تا به عنوان مبنایی برای توضیح علت برخی موضع‌گیری‌های خارجی درباره اعتراضات و ناآرامی‌های سیاسی — اقتصادی منجر به آشوب و اغتشاش در دی‌ماه ۱۳۹۶ قرار گیرد. در همین چارچوب موضع‌گیری‌های مقامات و نخبگان آمریکایی با تأکید بر اتاق‌های فکر و اندیشکده‌ها و منابع غیرژورنالیستی مورد اشاره قرار گرفت.

رویکردهای مختلفی در تحلیل علت‌شناسانه از مواضع و واکنش‌های خارجی به ویژه از ناحیه مقامات و نخبگان آمریکایی قابل طرح است. از جمله با استناد به دعاوی حقوق بشری مکرر و طولانی‌مدت واشنگتن علیه تهران طی سی و هشت سال گذشته و قرار دادن نام ایران در لیست

مورد ادعای آمریکا تحت عنوان ناقض حقوق بشر، این فرضیه مطرح است که به اصطلاح حمایت آمریکا از معترضان خیابانی در کشورمان مبنای حقوق بشری داشته و ایالات متحده که خود را حامی دنیای آزاد و گرانیگاه دموکراسی در جهان می‌داند به این امر مبادرت می‌ورزد.

اما تحلیل محتوای مواضع مقامات و نخبگان آمریکایی چنین فرضیه‌ای را تأیید نمی‌کند و مبنای لیبرالیستی برای این مداخله‌گرایی گزینشی را کنار می‌نهد. بالعکس می‌توان فرضیه‌ای بنا نهاد که بر مبنای واقع‌گرایی و موازنه‌سازی از نوع فراگیر آن مطرح کرد که در آن «سیاست قدرتمندان» و مهار و موازنه وضوح و برجستگی بیشتری دارند. اتفاقاً در فقره اخیر، مقامات و نخبگان آمریکایی ابهام و مجامله را آشکارا کنار نهاده و با وضوح بیشتر دغدغه‌های خود را مطرح کردند که در آن تمنا و تلاش در راستای موازنه‌سازی برای مهار قدرت و نقش‌آفرینی و نفوذ منطقه‌ای ایران از طریق مواجهه و درگیر ساختن در بحران‌های داخلی و تشدید گسست دولت - ملت در کشورمان حرف اول را می‌زند و آمریکایی‌ها از بیان آن ابایی ندارند.

اهمیت جبران کسر موازنه از طریق مداخله در امور داخلی و ایجاد موازنه فراگیر توسط آمریکا در قبال ایران از طریق مقایسه مواضع و رویکرد ایالات متحده با سایر بلوک‌ها قدرت درگیر در مسائل غرب آسیا و خاورمیانه بیشتر آشکار می‌شود. مثلاً برای روسیه، به عنوان قدرت جهانی فعال در شکل‌دهی به ترتیبات امنیتی در خاورمیانه و غرب آسیا، موازنه‌سازی با ایران موضوعیت ندارد و با توجه به اشتراک منافع چنین مداخله‌گرایی منتفی است و اتفاقاً روس‌ها آمریکا را متهم می‌کنند که برای تغییر در سیاست منطقه‌ای ایران به مداخله در امور داخلی ایران به بهانه حمایت از معترضان خیابانی در تجمعات دی‌ماه ۱۳۹۶ روی آورده است. در مورد دیگر قدرت جهانی یعنی چین نیز کمابیش همین رویکرد را می‌توان تعمیم داد.

در مورد اتحادیه اروپا به عنوان نهادی که بیش از آمریکا به مبنای قدرت هنجاری استوار است می‌توان گفت که برخلاف آمریکا دغدغه‌های حقوق بشری موضوعیت بیشتری دارد و ارکان و مقامات این اتحادیه به صراحت و از منظر حقوق بشر دغدغه‌های خود در قبال رویدادهای اخیر مطرح کرده‌اند. نکته مهم درباره مواضع این دو قدرت این است که اتحادیه اروپا برخلاف آمریکا از منظر موازنه‌سازی منطقه‌ای به ایران نگاه نمی‌کند و با وجود انتقادهای جدی به سیاست منطقه‌ای تهران، دست‌کم در مواردی مانند تروریسم، افراطی‌گری و مهاجرت دغدغه‌های امنیتی و آسیب‌پذیری‌های بیشتری در مقایسه با ایالات متحده دارد که در نتیجه اتحادیه اروپا را به سمت تعامل با ایران سوق می‌دهد.

کوتاه سخن اینکه در شرایط کنونی پیوند میان محیط داخلی و خارجی در سیاستگذاری کشورها به گونه‌ای گسست‌ناپذیر افزایش یافته است و می‌بایست سیاستگذاری امنیت ملی را بر

این مبنا استوار نمود و در آینده مداخله‌گرایی قدرت رقیب در محیط داخلی برای موازنه‌سازی فراگیر را بیش از گذشته به عنوان تابعی از سیاست خارجی را قابل انتظار دانست. هرچند در مورد مبانی و روند اجرایی شدن سیاست موازنه‌سازی فراگیر آمریکا علیه ایران، مسأله احساس تهدید داخلی آمریکا و مواجهه این کشور با رفتار تلافی‌جویانه مشابه از سوی ایران در امور داخلی این کشور متصور نیست، اما باید توجه داشت که در دولت ترامپ محیط سیاست داخلی آمریکا بسیار آشفته و گسسته به نظر می‌رسد که عمیقاً تحت تأثیر و نفوذ لابی اسرائیل قرار دارد. بر این اساس بزرگ‌نمایی از تهدید ایران می‌تواند محمل مناسبی برای ایجاد اجماع در بلوک قدرت و راضی نگه داشتن لابی اسرائیل باشد و همین امر امکان مداخلات خارجی در محیط داخلی کشورمان در آینده را به احتمال زیاد افزایش خواهد داد.

## منابع

- اسمیت، استیو و بیس، جان (۱۳۸۹)، *جهانی شدن سیاست*، ج اول، ترجمه عبدالله راه‌چمنی، تهران: ابرار معاصر
- اسلاوین، باربارا (اول ژانویه ۲۰۱۸)، *عادت تظاهرات ایرانیان علیه دولت*، شورای آتلانتیک
- اشراقی، علی‌رضا (ماه ژانویه ۲۰۱۸)، *شکایت علیه حکومت ایران*، اندیشکده صلح و جنگ
- پرایس، ند (۱۰ ژانویه ۲۰۱۸)، *حمایت بی‌شمرانه ترامپ از اعتراضات ایران نتیجه معکوس داشت*، فارین پالیسی
- تکیه، ری (اول ژانویه ۲۰۱۸)، *حکومت روحانیون ایران بر لبه پرتگاه*، وال‌استریت جورنال
- راس، دنیس (۲ ژانویه ۲۰۱۸)، *ایرانیان در حالی که عمیقاً گرفتار سیاست خارجی خود هستند، عمیقاً به هم ریخته‌اند*، فارین پالیسی
- حق‌پناه، جعفر (۱۳۸۷)، *کردها و سیاست خارجی ایران*، تهران: ابرار معاصر
- حق‌پناه، جعفر (پاییز ۱۳۸۹)، *قومیت، هویت و سیاست خارجی*، فصلنامه سیاست، ش ۳
- سینگ، مایکل (۲ ژانویه ۲۰۱۸)، *معترضان ایرانی به کمک واقعی واشنگتن نیاز دارند*، اندیشکده واشنگتن
- طباطبایی، آرین (۵ ژانویه ۲۰۱۸)، *چرا اعتراضات سیاست خارجی ایران را تغییر نخواهد داد؟* فارین افرز
- عبدو، جنیو (۲ ژانویه ۲۰۱۸)، *آیا جنبش‌های اعتراضی ایران معادلات را برهم خواهند زد؟* نشنال اینترنت
- فولر، گراهام (۱۱ ژانویه ۲۰۱۸)، *حکومت ایران بر لبه پرتگاه؟* وبلاگ لوب
- فلارک، کالین (۱۱ ژانویه ۲۰۱۸)، *تلاش ایران برای بی‌ثباتی در خارج و اعتراضات در داخل*، نشنال اینترنت
- کلیتون، الی (۴ ژانویه ۲۰۱۸)، *استقبال تندروهای آمریکایی از اعتراضات ایران*، وبلاگ لوب

فصلنامه آفتاب خرد، زمستان ۱۳۹۶، دوره ۳، شماره ۴، پیاپی ۷

مرعشی، رضا (اول ژانویه ۲۰۱۸)، *اعتراضات ایران*، شورای ملی ایرانیان آمریکا